

This is a Persian translation of
La Mithras
by Richard Staller
Editions PUF, Paris, 2008
Translated by Adolvisirid Ahmad
Agon Publishing House, Tehran, 2014
info@agonpub.ir

دین سیرایی

فردپوتستانی ۱۵۶۴۱۵۱۷
پیشراستوفر
عبدالوهاب احمدی



۸۶۱	۲۰۰۰
۸۶۲	۲۰۰۱
۸۶۳	۲۰۰۲
۸۶۴	۲۰۰۳
۸۶۵	۲۰۰۴
۸۶۶	۲۰۰۵
۸۶۷	۲۰۰۶
۸۶۸	۲۰۰۷
۸۶۹	۲۰۰۸
۸۷۰	۲۰۰۹
۸۷۱	۲۰۱۰
۸۷۲	۲۰۱۱
۸۷۳	۲۰۱۲
۸۷۴	۲۰۱۳
۸۷۵	۲۰۱۴
۸۷۶	۲۰۱۵
۸۷۷	۲۰۱۶
۸۷۸	۲۰۱۷
۸۷۹	۲۰۱۸
۸۸۰	۲۰۱۹
۸۸۱	۲۰۲۰

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۲۳	پیش‌گفتار
۲۹	راهبی در جست‌وجوی رستگاری
۲۹	۱. کشف دگرگون‌ساز لوتر
۳۷	۲. کشاکش بر سر بخشودگی گناهان
۴۳	۳. گسست از رم
۵۱	دین‌پیرایی لوتری
۵۲	۱. جنبش ویتن‌برگ
۵۷	۲. ناپذیرفتاری‌های تعیین‌کننده
۶۲	۳. انتشار پخش انجیل و دفاع از آن
۷۱	۴. پیکارها و پای‌استواری آیین لوتری
۸۳	دین‌پیرایی تسوینگ‌لی و بوتسر
۸۴	۱. تسوینگ‌لی و دین‌پیرایی در زوربخ
۹۲	۲. گسترش و توقف دین‌پیرایی در سوییس
۱۰۱	۳. بوتسر و دین‌پیرایی در استراسبورگ
۱۱۱	دین‌پیرایی کالون
۱۱۳	۱. اومانستی‌گریده به دین‌پیرایی

۱۱۸	۲. کالون و دین‌پیرایی در ژنو
۱۲۹	۳. کالون و دین‌پیرایی در فرانسه
۱۳۹	دین‌پیرایی انگلیکن
۱۴۰	۱. جداسری هنری هشتم
۱۴۸	۲. دین‌پیرایی در دوره‌ی فرمان‌روایی ادوارد ششم
	۳. بازگشت مذهب کاتولیک و برقراری آیین انگلیکنی در دوره‌ی فرمان‌روایی مری و الیزابت
۱۵۵	
۱۶۱	نتیجه‌گیری
۱۶۵	کتاب‌شناسی
۱۶۹	واژه‌نامه
۱۷۱	فهرست برخی اعلام
۱۷۷	نمایه

یادداشت مترجم

دین‌پیرایی (رُفرماسیون) هم‌چون جنبشی مذهبی و یزدان‌شناختی از درون مسیحیت و با هدف پیرایش کاتولیسیسم سر برآورد. این جنبش که در نیمه‌ی نخست سده‌ی شانزدهم در باختر اروپا رخ نمود بر زمینه‌ی رنسانس و اومانیسیم مسیحی در روزگاری رویداد و بالید که ساختارهای فسرده و فرسوده‌ی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اندیشگی قرون وسطا فرو می‌پاشید. از میان‌ویرانه‌های این جهان روبه‌خاموشی نیروهایی تازه‌نفس، زایا و پوینده رویدند و دست‌به‌کار ساختمان جهانی نو شدند. در این روزگار شگفت به باورهای کهن شک می‌ورزیدند، هنر و دانش و فرهنگ باستانی یونانی-رومی را بازمی‌یافتند و به مسائل دینی و فلسفی بازمی‌اندیشیدند. در این زمان، نگاه نوینی به جهان و انسان و ماوراءطبیعت شکل می‌گرفت، علم و دانش نوین هرچند نوپا جوانه می‌زد. انسان به توانایی خود برای شناخت، دگرگون‌سازی و چیرگی بر طبیعت آگاه می‌شد، اعتماد به‌نفس می‌یافت و خودباور می‌گردید. می‌دانیم که مسیحیت، در نزدیک به سه سده پس از پیدایش خود، دین فرودستان و محرومان شمرده می‌شد و به‌رغم سرکوب‌ها و فشارهای گوناگون آهسته آهسته در سرزمین‌های امپراتوری روم و فراتر از آن ریشه

دوانید و دامن گسترده. سرانجام در نیمه‌ی دوم سده‌ی چهارم میلادی، مسیحیت دین رسمی امپراتوری روم شد و کلیسای مسیحی آشکارا سازمان یافت. اما چندی نگذشت که خارِ جداسری و تفرقه در درون آن خلید و نخست کلیساهای مسیحی ایرانی در سال ۴۲۴ میلادی (بیش‌تر به دلایل سیاسی) اعلام استقلال کردند و سرانجام در سال ۴۸۴ میلادی با پذیرش آموزه‌ی نستوریوس^۱ (که در سال ۴۳۱ میلادی کلیسای رسمی تکفیرش کرده بود) از نظر آموزه‌ای نیز رسماً راه جدایی از مسیحیت رسمی را پیش گرفتند.

پس از تقسیم امپراتوری روم به دو بخش خاوری و باختری، و در پی از هم‌پاشیدگی امپراتوری روم باختری در سال ۴۷۶ میلادی، رفته‌رفته دو مذهب مسیحی کاتولیک و ارتدوکس شکل گرفتند که چند سده دیرتر در سال ۱۰۵۴ میلادی از هم جدا شدند و به تکفیر یک‌دیگر پرداختند. سرانجام در سده‌ی شانزدهم پروتستان‌ها و جریان‌ها و فرقه‌های انجیل‌باور از کلیسا جدا شدند.

در باختر اروپا، کلیسای کاتولیک در درازنای چندین سده مردمان و قوم‌های این سرزمین را به مسیحیت گرواند، و رفته‌رفته سازمان پایگانی و متمرکز خود را نیرومند گرداند و بر این بخش از قاره‌ی اروپا گستراند و پیوسته بر نفوذ سیاسی و اجتماعی خود افزود. «در دوران قرون وسطا، امر مقدس دینی حضور بسیار داشت. در این روزگار وحدانیت مسیحی چیره و در زندگی روزانه‌ی مردمان گنجد بود و اینان می‌بایست از اصول اخلاقی و آداب کاتولیسیم پیروی کنند. شناسه‌ی این دوره همانا ایمان به نوشتارهای دینی است. در واقع، سنت مسیحی به مجموع و کلیت جامعه معنا می‌بخشید»^۲.

در قرون وسطای واپسین، این قدرت دینی تمرکز یافته و یکه‌تاز به راه

1. Nestorius

2. "Le sécularisme et la sécularisation" in *polycypapers.weekly.com*, p.3.

تباهی، فسردگی اندیشه و فساد و سرکوب‌گری بیش از پیش افتاد. دربار پاپ با سازمان‌های گسترده‌ی اداری، مالی و... با امپراتوری‌های کهن پهلو می‌زد. دستگاه روحانی کاتولیکی، و در تارک آن پاپ اعظم، با مالیات‌گیری‌های سنگین دینی از مردم، انباشت ثروت، تملک زمین‌های پهناور، آلودگی به مسائل سیاسی روز، فساد اخلاقی و مالی کشیشان و اسقف‌ها، برپایی دستگاه سرکوب‌گر انکیزیسیون، فروش مقامات کلیسایی و سرانجام فروش آمرزش‌نامه هرچه بیش‌تر از اصول آغازین مسیحیت و آموزه‌های انجیل دور می‌افتاد. بدین‌سان قشری‌گری، آیین‌شیدایی، معنویت‌باختگی و سست‌ایمانی روحانیان کاتولیک سکه‌ی رایج روز شد.

روشن است چنین وضعی پیرایش کاتولیسیم را هرچه بیش‌تر ضروری می‌گرداند. البته پیش از جنبش دین‌پیرایی، کسان و جریان‌هایی در درون کاتولیسیم خواست اصلاح کلیسا و رفتار و شیوه‌ی زیست کشیشان را پیش نهاده بودند. از میان آن‌ها می‌توان از جنبش «تهیدستان لیون» به رهبری وُده^۱ در سده‌ی دوازدهم میلادی نام برد که خواهان بازگشت به دوره‌ی حواریان مسیح شد. فرانچسکوی قدیس^۲ (بنیادگذار فرقه‌ی کاتولیکی فرانسیسکن^۳) بی‌آن‌که به شیوه‌ی سازمان‌دهی کلیسای کاتولیک و شخص پاپ خرده گیرد رخت تهی‌دستان پوشید و به تبلیغ ساده‌زیستی، هم‌نوع‌دوستی و بی‌پیرایگی انجیلی پرداخت. اما مهم‌تر از همه‌ی این‌ها، جنبش وی‌کلیف^۴ در انگلستان و جنبش یان هوس^۵ در بوهم و موراوی بود. فرد نخست را که باید مژده‌رسان دین‌پیرایی‌اش خواند، خواهان بازگشت به کتاب مقدس، خرافه‌زدایی از دین و جدایی دین از دولت و... بود. او با پاپ و دستگاه روحانی سرستیز داشت و، افزون بر این، با مالکان بزرگ سخت دشمنی می‌ورزید. فرد دوم که

1. Vaudès 2. St. François d'Assis 3. Franciscain 4. Wyclif

5. Jan Hus